

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جانانان کوک
برگردان: از نادر ثانی
14 نومبر 2024

جانانان کوک:

با قربانی جلوه دادن ارادل و اوباش فوتبال اسرائیل غرب یک نسل‌کشی را دفن می‌کند.

اگر غرب واقعاً در اندیشه به آن امری بود که نازیستها در اروپا انجام دادند، بهتر بود از دامن زدن به یهودستیزی جدید و بسیار واقعی دست بردارد: تحریک علیه اعراب و مسلمانان.

هیچ گاه انجام تحلیل‌های سیاسی و رسانه‌ئی دشوارتر از زمان حال نبوده است. هر روز، تشکیلات موجود در غرب خود را از واقعیت دورتر می‌کنند. اولویت‌های آنان آنچنان وارونه و تا به آن اندازه زشت است که مناسب‌ترین پاسخ، تمسخر آنان می‌باشد.

آخرین نمونه واکنش اوایل هفته گذشته به درگیری‌های خشونت‌آمیز در آمستردام پیش و پس از مسابقه بین دو تیم فوتبال مکابی تل‌آویو و آژاکس آمستردام بود.

چهارچوب داستان ارائه شده و مضحک سیاستمداران غربی با کمک رسانه‌های بزرگ این بود که اسرائیلی‌های بازدیدکننده در چیزی که به عنوان یک «قتل‌عام» جلوه داده شد، توسط باندهای خیابانی هالندی، متشکل از جوانان عرب و مسلمان، «شکار» شدند.

بر اساس این روایت رسمی، خشونت در خیابان‌های آمستردام دلیل دیگری بر موج فزاینده یهودی‌ستیزی بود که اروپا را فرا گرفته و از خاورمیانه وارد شده است. علاوه بر این، این حملات به عنوان پژواک‌های نگران‌کننده‌ای از نازیسم در اروپا در گذشته ارائه داده شد.

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، مدعی شد که طرفداران اسرائیلی با حملات "نفرت‌انگیز" مواجه شدند که "انعکاس لحظات تاریک تاریخ زمانی است که یهودیان تحت آزار و اذیت قرار می‌گرفتند."

البته اسرائیل این ایده را با وعده "پروازهای اضطراری" برای "نجات" هواداران فوتبال خود – پروازهایی که یادآور خاطرات پروازهای اسرائیلی در دهه ۱۹۸۰ برای فرار دادن یهودیان اتیوپی از قحطی و آزار و اذیت، یا

احتمالاً حمل و نقل هوایی برای فراری دادن کارکنان سفارت ایالات متحده امریکا از سایگون در سال ۱۹۷۵ بودند، تقویت کرد.

مقایسه با نازی‌ها

سیاستمداران هالندی و همچنین پادشاه این کشور، با برنامه‌های زشت و نژادپرستانه خود برای دامن زدن به هیستری به کمک اسرائیل شناختند. گیت ویلدرز، رئیس نژادپرست و دست راستی افراطی بزرگترین حزب در پارلمان هالند، گفت که "ذهن‌های چندفرهنگی" یک "شکار یهودیان" انجام داده‌اند.

وزیر امور خارجه آلمان، آنالنا بایربوک، مهر رسمی کشورش را برای نشان دادن وقایع آمستردام به عنوان یک "هولوکاست دوم" بالقوه داد و صحنه‌ها را "هولناک و عمیقاً شرم‌آور" خواند.

آنالنا بایربوک در سخنان خود افزود:

«شیوع چنین خشونت‌هایی علیه یهودیان از تمامی مرزهای قابل قبول می‌گذرد. هیچ توجیهی برای وجود چنین خشونت‌هایی وجود ندارد. یهودیان باید در اروپا امن باشند.»

این همان المانی است که در آن ویدئوهای روزانه نشان می‌دهند که تظاهرکنندگان عرب و مسلمان - و در واقع، هر کسی که پرچم فلسطین را به دلیل اعتراض به نسل‌کشی اسرائیل در غزه به اهتزاز در می‌آورد - توسط افسران پولیس آلمان مورد حمله و حشیانه قرار می‌گیرند.

آنالنا بایربوک با عبور از این نوع مرزها به نظر می‌رسد خواهان از بین بردن حق اعتراض بوده و یا خواهان ایجاد فضائی سیاسی که خشونت اسلام‌هراسی را، نه از سوی اوپاش فوتبال، بلکه از سوی کارگزاران ایالات آلمان مجاز می‌کند، است.

در همین حال، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، از سخنان بایربوک در مقایسه خشونت آمستردام با قتل‌عام نازی‌ها علیه یهودیان در سال ۱۹۳۸ در "شب کریستال" استفاده کرد.

و البته، دیوید لامی، وزیر خارجه بریتانیا، هم از واشنگتن سرخ گرفته و اعلام کرد که آنچه رخ داده است "وحشتناک" است. او در X نوشت:

«من این اعمال خشونت‌آمیز شنیع را کاملاً محکوم می‌کنم و در کنار اسرائیلی‌ها و یهودیان در سراسر جهان هستم.»

بزرگداشت نسل‌کشی

آنچه در اینجا می‌آید به معنای حمایت از خشونت نیست، چه رسد به یهودی‌ستیزی، اشاره‌ای به این است که تصویر ارائه‌داده‌شده از وقایع، کاملاً از واقعیت جدا شده است.

ویدیوهای موجود در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهند که هواداران اسرائیلی به محض ورود به آمستردام عمداً درگیری را تحریک می‌کردند.

در روزهای منتهی به مسابقه، آنها پرچم‌های فلسطین را در مرکز شهر پاره کرده و آتش زده بودند. آنها رانندگان تاکسی هالندی و عابران مشکوک به عرب یا مسلمان بودن را مورد حمله قرار داده بودند. آنها علیه اعراب شعارهای تهدید به مرگ و نسل‌کشی را سر داده بودند.

در زمان بازی، آنها با سر دادن سرود "دیگر مدرسه‌ای در غزه وجود ندارد زیرا ما همه بچه‌ها را کشتیم" یک دقیقه سکوت در استادیوم برای قربانیان سیل اسپانیا را به هم زدند.

در این مورد گویا اسپانیا توسط هواداران اسرائیلی مورد تحقیر قرار می‌گیرد، چرا که این کشور مطابق با قوانین بین‌المللی اما خلاف میل اسرائیل، فلسطین را به عنوان يك کشور به رسمیت شناخته است.

ویدئویی از ورود هواداران اسرائیلی به کشورشان در فرودگاه تل‌آویو نشان می‌دهد که آنها دست بر نداشته‌اند. آنها همان آهنگ‌های نسل‌کشی را سر می‌دادند:

«بگذارید ارتش اسرائیل پیروز شود و لعنت به اعراب. اوله اوله، اوله اوله. چرا مدرسه‌ها در غزه تعطیل هستند؟ چون هیچ بچه‌ای در آنجا نمانده است!»

مانند ویلدرز، هواداران اسرائیلی نیز از زمان حضور خود در آمستردام استفاده کرده بودند تا حرکات متعصبانه خود در مورد "کثافت‌های چندفرهنگی" را به انجام رسانند.

حتی پس از بازی، زمانی که هواداران اسرائیلی واکنش شدید ساکنان خشمگین آمستردام را احساس کردند، مشخص بود که آنان همانقدر که درگیر درگیری‌های خشونت‌آمیز شدند، آغازگر این درگیری‌ها بودند.

ویدئویی که توسط یک هوادار جوان هالندی آژاکس گرفته شده و نشانگر غوغایی است که اوباش هوادار مکابی تل‌آویو پس از مسابقه در آمستردام بر پا کردند، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. این فیلم یک گروه بزرگ اسرائیلی را نشان می‌دهد که در آمستردام مسلح به باتوم می‌چرخند، سنگ پرتاب می‌کنند و به شدت با پولیس محلی درگیر شده‌اند.

به طرز شگفت‌انگیزی، پولیس هالند یا خود را از صحنه دور کرده و یا در بیشتر مواقعی که اسرائیلی‌ها به دنبال درگیری هستند فاصله خود با آنها را حفظ می‌کند. قابل ذکر است که در این درگیری‌ها حتی یک هوادار اسرائیلی دستگیر نشده است.

اسلام‌هراسی

پوشش رسانه‌های غربی از این رویدادها به همان شکل که پولیس هالند با خشونت اراذل و اوباش نسل‌کشی برخورد کرد، نسبت به آنان به طرز عجیبی احترام‌آمیز بود. اگر هواداران یکی از تیم‌های بریتانیایی که در آمستردام بازی می‌کرد چنین رفتاری از خود نشان می‌دادند، پولیس بلافاصله در مورد آنان دستگیری دسته‌جمعی انجام می‌داد.

به همین ترتیب، اگر اراذل و اوباش بریتانیایی در چنین شرایطی خود را در معرض خشونت قرار می‌دادند، رسانه‌های بریتانیا همدلی چندانی نشان نمی‌دادند. چنین درگیری‌هایی بدرستی به عنوان منظره‌ای زشت و نامناسب در مسابقات فوتبال تلقی می‌شدند.

اما این بار تفاوت در اینجا این بود که درگیری‌هایی که توسط تحریکات هواداران اسرائیلی ایجاد شدند، زمینه‌ای بسیار بزرگتر از ضدیت ساده بین تیم‌های رقیب داشتند. تنش‌های مربوط به رویدادهای هولناکی که در صحنه بین‌المللی اتفاق می‌افتند، به آنان دامن زد.

هیچ چیز تکانه‌دهنده یا به ویژه شومی در مورد طرفداران هالندی، به ویژه آنان که دارای ریشه عرب یا مسلمان هستند، با عکس‌العمل خشونت‌آمیز خود نسبت به جوانان اسرائیلی – که برخی از آنها احتمالاً تازه از خدمت سربازی در غزه برگشته‌اند – جوانانی که تلاش می‌کنند تا ضدعرب و ضدمسلمان بودن نسل‌کشانه خود را به آمستردام صادر کنند، وجود ندارد.

فراموش نکنیم که حرکت هواداران اسرائیلی به تقویت اسلام‌هراسی متعصبانه سیاستمداران قدرتمند هالندی کمک رسانده است.

با توجه به زمینه وسیع‌تر، باید حتی کمتر تعجب‌آور بود: که هواداران مکابی تل‌آویو در شهر دیگری نسل‌کشی ارتش اسرائیل در غزه را در میان شهروندان هالندی که زندگی عرب‌ها را بی‌ارزش نمی‌دانند یا مسلمانان را «حیوانات انسانی» نمی‌دانند، جشن می‌گرفتند.

متأسفانه، این دقیقاً همان شکلی است که نظام غربی در خلال ۱۳ ماه گذشته به فلسطینی‌ها نگاه کرده است، هم‌زمان اسرائیل فلسطینی‌ها را در اردوگاه کار اجباری رو به کوچک شدن غزه سلاخی کرده است.

به طرز متناقضی، درگیری در آمستردام به یک سیاستمدار اسرائیلی به نام "اوفر کاسیف"، که متعلق به حزب کوچک "هادش"، تنها حزب مشترک یهودی-عربی در پارلمان اسرائیل است، امکان داد تا دیدگاه خود را ارائه دهد. اوفر کاسیف در X نوشت:

«هواداران [اسرائیلی] آنگونه به خشونت می‌پردازند، کتک می‌زنند، پرچم‌های فلسطین را در خیابان‌ها پاره می‌کنند که گوئی یک نیروی اشغالگر هستند. آنها شعارهای نازی‌ها را برای نابودی یک ملت [فلسطینی‌ها] سر می‌دهند. و سپس زمانی که اوضاع به هرج و مرج کامل تبدیل شده و خشونت مانند بومرنگ به سوی آنها باز می‌گردد، ناله سر می‌دهند.»

"قربانیان قتل عام"

مانند همیشه، رسانه‌های قدرتمندان به شکل وظیفه‌شناسانه‌ای بازگوکننده ارائه رسمی وقایع در آمستردام بودند. گزارشات آنان را به بهترین وجه می‌توان به عنوان شعبده در مقیاس صنعتی شناخت. تیتروهای مانند تیتز زیر از روزنامه نیویورک تایمز نشانگر اینگونه برداشت است که هواداران اسرائیلی قربانی یهودی‌ستیزی بودند و نیاز به نجات داشتند:

«حملات یهودی‌ستیزانه منجر به پروازهای اضطراری برای هواداران فوتبال اسرائیل می‌شوند.»

رسانه‌های دیگر به‌طور غیرانتقادی اظهارات غیرانتقادی مقامات هالندی را گزارش کردند:

«پادشاه هالند می‌گوید: ما در جریان حملات هواداران فوتبال، نتوانستیم جامعه یهودی را، همانطور که در زمان نازی‌ها شد، نجات دهیم.»

یا، مانند این تیتز جبرگزارای رویترز، رسانه‌ها برای توجیه اطلاعات نادرست از علامت نقل قول استفاده کردند:

«آمستردام اعتراضات را پس از حمله "جوخه‌های یهودی‌ستیز" به طرفداران فوتبال اسرائیل ممنوع می‌کند.»

در این روزها بی‌بی‌سی که تعهد خود به ارائه گزارش‌های دقیق را با سرویس ارائه درست بودن اخبار خود را در بوق و کرنا می‌کند، به خود زحمتی برای راستی‌آزمایی تصاویری از آمستردام که ظاهراً برای نشان دادن حملات به طرفداران اسرائیلی ارائه می‌شدند، نشان نداد.

در واقع، این تصویر که توسط بی‌بی‌سی استفاده شده، همانطور که عکاس هالندی که آن را گرفته گفته است، دقیقاً نشان‌دهنده عکس آن است که بی‌بی‌سی اعلام کرده: جوانان اسرائیلی یک شهروند هالندی را کتک می‌زدند.

استفاده نادرست از این تصاویر - ارائه اطلاعات نادرست - توسط بی‌بی‌سی ان، گاردین، نیویورک تایمز و سایر رسانه‌های پر قدرت تکرار شده، چرا که همگی برای گسترش روایت اخبار جعلی تحمیل‌شده توسط طبقه سیاسی غرب تلاش می‌کنند.

عکاس یادشده در بالا از آن زمان خواستار عذرخواهی و تصحیح مطلب از سازمان‌های رسانه‌ای که از تصاویر او به اشتباه و بدون مجوز استفاده کرده‌اند شده است. تا شنبه گذشته، خواسته او تنها در یک مورد - از برنامه خبری المانی "شو امروز Tagesschau" - برآورد شده است.

سرچشمه درگیری‌ها

میزان خواست عامدانه رسانه‌های حاکمیتی برای فریب مخاطبان به منظور ترویج یک روایت رسمی تحریف‌شده، با پوشش اسکای نیوز بخوبی نشان داده شد.

در ابتداء، پیش از این که سیاستمداران فرصتی پیدا کنند که رویدادها را براحتی برای برنامه خود تنظیم کنند، روزنامه‌نگار اسکای در آمستردام گزارش داد که خشونت توسط هواداران مکابی تل‌آویو - باشگاهی که حتی پیش از این به دلیل نژادپرستی تهاجمی ضدعربی هوادارانش بدنام بود - آغاز شده است.

اما، گزارش او بزودی پس گرفته شد، چرا که اسرائیل، ویلدرز، باربوک، بایدن و لامی می‌بایست روایت را از نقطه نظر یهودی‌ستیزی و قتل‌عام اصلاح می‌کردند. در یادداشتی از سردبیران این کانال ادعا شد که این ویدیو "از ستندردهای اسکای نیوز برای تعادل و بی‌طرفی مطابقت ندارد".

به جای آن گزارش، یک ویدیوی جدید و بشدت ویرایش‌شده منتشر شد که خشونت هواداران اسرائیلی را کم‌اهمیت جلوه داد و در آن سیاستمداران هالندی مدعی شدند که هواداران مکابی تل‌آویو قربانی حملات تحریک‌نشده و یهودی ستیز شده‌اند. حتی در آن به یکی از هواداران مکابی فضاء داده شد تا بگوید درگیری‌ها یادآور حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ بود.

در واقع، شباهتی با ۷ اکتوبر وجود داشت، اما نه به آن مفهومی که طرفداران اسرائیلی یا سیاستمداران غربی ارائه می‌کردند: پوشش رسانه‌ای حمله ۱۳ ماه پیش حماس، به طور مداوم هر یک از زمینه‌های پیشین حمله را حذف کرد: دهه‌ها اشغال نظامی غیرقانونی و خشونت‌آمیز غزه توسط اسرائیل، محاصره ۱۷ ساله‌ای که اسرائیل در خلال آن مردم غزه را از دستیابی به ضروریات زندگی محروم کرد و چندین ماه فعالیت تکتیراندازهای اسرائیلی که فلسطینی‌هایی را که برای اعتراض به زندانی کردن فلسطینی‌ها تلاش می‌کردند، کشته و یا فلج می‌کردند. خشونت رخ داده در آمستردام نیز به همین ترتیب فاقد محتوا شد.

پذیرش غیرانتقادی روایت جدید و آشکارا سیاسی توسط رسانه‌ها، راه را برای شهردار آمستردام هموار کرد تا پس از آن سرکوب اعتراضات را به سبک حکومت نظامی اعمال کند.

به طور قابل پیش‌بینی، پولیس آمستردام پس از آن از این ممنوعیت به عنوان بهانه‌ای برای دستگیری معترضان ضد نسل‌کشی در آمستردام در روز یکشنبه، زمانی که ساکنان آمستردام بیرون آمده بودند تا حرکات و تحریکات هواداران اسرائیل در روزهای گذشته را محکوم کنند، استفاده کرد.

برای سیاستمداران غربی و همدستان آنها در رسانه‌های حاکمیتی، فرصت دیگری فراهم شد تا اعتراضات غرب علیه نسل‌کشی اسرائیل را به عنوان ذاتاً خطرناک برای امنیت یهودیان معرفی کنند.

گویا منطق آنان این است که "یهودی‌ستیزی در اروپا" را می‌توان تنها با از بین بردن حق اعتراض علیه کشتار کودکان فلسطینی توسط اسرائیل از میان برد.

در اینجا یک فریب مضاعف انجام می‌شود:

از سوئی این که یهودیان در آمستردام به دلیل یهودی بودن و نه به خاطر وجود اراذل و اوباش فوتبال اسرائیل که به وضوح سعی در ایجاد درگیری داشتند، مورد حمله قرار گرفتند و از سوی دیگر این که تنها پاسخ مناسب این است که نه تنها با اراذل و اوباش طرفداران فوتبال اسرائیل، بلکه سرچشمه آن اوباش، یعنی اقدامات نسل‌کشی اسرائیل در غزه، هماهنگی بیشتری داده شود.

اسرائیلی‌ها، نه یهودی‌ها

همزمان، سیاستمداران غربی و رسانه‌های حاکمیتی، کاملاً آشکار کرده‌اند که در احساسات نژادپرستانه اسرائیل و فرستادگان فوتبال اوباش نژادپرستانه و اوباش شریک هستند.

خلاف آنچه سیاستمداران و رسانه‌های غربی از ما می‌خواهند باور کنیم، "حساسیت در مورد توهین" تنها مختص اسرائیلی‌ها و یهودیان صهیونیست نیست. گروه‌های دیگر نیز حساسیت‌هایی دارند، حتی اگر سیاستمداران و رسانه‌های غربی به طور سیستماتیک این حساسیت‌ها را تحقیر می‌کنند.

بار دیگر در شور و جنون سیاسی و رسانه‌ای این واقعیت که مردم می‌توانند نسبت به اسرائیل و شهروندان آن، به ویژه زمانی که آنها کشتار جمعی کودکان فلسطینی را تمجید می‌کنند، احساس خشم کنند بدون آن که از یهودیان نفرت داشته باشند گم شده است.

اسرائیل ۱۳ ماه است که یک نسل‌کشی را با پخش زنده انجام داده است، نسل‌کشی که تقریباً توسط کل جمعیت این کشور حمایت می‌شود. احتمالاً هر کسی که با نسل‌کشی مخالف است - متأسفانه، به نظر می‌رسد که ما به اندازه کافی نیستیم - در حال حاضر احساس گرمی نسبت به اسرائیل ندارد. این یک موضع اخلاقی است. اشتباه گرفتن آن با یهودستیزی سفسطه محض است.

چنین سفسطه‌ای خطرناک است: واقعیتی را ایجاد می‌کند که ادعا می‌کند تلاش در متوقف کردن آن دارد و نشان می‌دهد که بین یهودی بودن و حمایت از نسل‌کشی ارتباطی وجود دارد. چنین سفسطه‌ای واقعاً یهودستیزانه است.

سیاستمداران غربی و رسانه‌های حاکمیتی، با تکرار ترکیب‌های موزیانه خود اسرائیل از اسرائیل و یهودیت، به تشدید قوم‌گرایی کمک کرده‌اند، پدیده‌ای که تنها می‌تواند منجر به دوقطبی‌سازی مضر، خشونت و سرکوب گردد. برخی از اروپایی‌ها از اسرائیل دفاع می‌کنند، و مایل هستند چشم بر نسل‌کشی آن ببندند، چرا که آنها به اشتباه تصور می‌کنند که این بهترین راه برای محافظت از یهودیان است. سایر اروپایی‌ها، اگرچه تعدادشان کم است، در نهایت یهودیان را مسوول اقدامات نسل‌کشی اسرائیل می‌دانند.

هر دو این گرایش‌ها در یک واقعیت کاملاً نادرست و ضددمکراتیک زندگی می‌کنند، واقعیتی که با فریب سیاستمداران غربی و رسانه‌های حاکم برای آنها ایجاد شده است.

کسانی که هر یک از این دو موضع را رد می‌کنند - اکثریت عاقل و متعارض - دائماً خود را درگیر یهودستیزان واقعی می‌بینند.

خبرنگار بی‌بی‌سی در آمستردام دقیقاً این نوع روایت گیج‌کننده را در جمعه شب تکرار کرد و گفت که طرفداران اسرائیلی به خاطر «ملیت» خود مورد حمله قرار گرفته‌اند، و سپس این گفته همکارانش را تکرار کرد که این امر به معنای یهودی‌ستیزی است.

اما واضح است که "یهودی" یک ملیت نیست (هر چه اسرائیل ادعا کند)، و تشویق کردن ایدئولوژی صهیونیستی اسرائیل مبنی بر برتری طلبی یهودیان بر جمعیت‌های عرب خاورمیانه، یک عمل سیاسی است - و در حال حاضر چنین کاری، همدستی در یک نسل‌کشی هیولائی است. اسرائیل قربانی یا «بی‌گناه» نیست.

دفن داستان

دو دلیل مرتبط وجود دارد که چرا رسانه‌ها تا این حد آماده‌اند تا یک غوغای یهودستیزی دیگر را از هوا به راه بیندازند.

رسانه‌ها همزمان با نادیده گرفتن آخرین فصل از نسل‌کشی هولناک سیزده ماهه اسرائیل در غزه، این داستان اراذل فوتبال را به یک رسوایی بزرگ بین‌المللی تبدیل کرده و در صفحات اول خود نگران رفاه هواداران خشن فوتبال اسرائیلی بودند.

اسرائیل در حال حاضر در حال اجرای به اصطلاح "طرح جنرال‌ها" است: بمباران و گرسنگی دادن به مردان، زنان و کودکان فلسطینی در شمال غزه برای بیرون راندن ۴۰۰ هزار نفر از آنها که در میان ویرانه‌های غزه زندگی می‌کنند.

اسرائیل گفته است که این جمعیت هرگز اجازه بازگشت به خانه خود را نخواهند داشت. به عبارت دیگر، رسماً اعلام می‌کند که این فلسطینی‌ها پاکسازی نژادی می‌شوند.

هر فلسطینی که از رفتن به اردوگاه کار اجباری که اسرائیل در جنوب غزه بر پا کرده- اردوگاهی که همزمان دائماً بمباران می‌شود - اجتناب می‌ورزد، به عنوان "تروریست" کشته می‌شود.

ممکن است تصور شود که این وقایع وحشتناک خبر مهمی باشد. اینطور نیست. امروزه، همیشه داستان دیگری، هر چند بی‌اهمیت، اولویت دارد.

جمعه شب بی‌بی‌سی حتی یک ثانیه هم به نسل‌کشی در غزه اختصاص نداد، زیرا این شرکت، مانند بقیه رسانه‌ها، بیش از حد مشغول تمرکز بر درد و رنج اراذل و اوباش فوتبال اسرائیل در آمستردام بود. به یاد داشته باشید که آن هواداران، تهدید کرده بودند که اعراب و مسلمانان را در اروپا به قتل برسانند و بدینگونه آنچه را که در غزه رخ داده است تکرار کنند. اولویت‌های رسانه‌ها در اینجا فراتر از زشت است.

برانگیختن نفرت

آنچه که پوشش رسانه‌ای به دنبال انجام آن است تنها این نیست که نسل‌کشی در غزه را دفن کرده و اسرائیل و اسرائیلی‌ها را، حتی در حالی که آنها مرتکب نسل‌کشی می‌شوند به قربانی تبدیل کند. این عمل همچنین به منظور دامن زدن به نفرت اسلام‌هراسانه نسبت به اعراب و مسلمانان به خاطر حضور آنها در اروپا و اصرار آنان بر این است که غزه را فراموش نکنیم. این عمل به معنای وارد کردن همان فرضیات و گفتمان نژادپرستانه‌ای است که به نسل‌کشی اسرائیل منجر شد.

نهادهای غربی چنین نتیجه‌ای را اراده کرده‌اند. آنها با لفاظی‌ها و اقدامات خود این امکان را فراهم می‌کنند. ممنوعیت تیم‌ها و ورزشکاران روسی از حضور در مسابقات بین‌المللی در لحظه حمله مسکو به اوکراین، زمانی که تیم‌های اسرائیلی مانند مکابی تل‌آویو هنوز پس از ۱۳ ماه نسل‌کشی در اروپا مورد استقبال قرار می‌گیرند، چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟

چگونه ممکن است که طرفداران تیم‌های اسرائیلی نه تنها خود را در آغوش رهبران غربی ببینند، بلکه در هنگام رژه ضدعرب، ضدمسلمانان - و ستایش آنها از نسل‌کشی - در شهرهای اروپایی به عنوان قربانی تلقی شوند؟ تیم ملی اسرائیل قرار است در تاریخ ۱۴ نوامبر در پاریس در لیگ ملت‌های اروپا به مصاف فرانسه برود. درگیری‌ها بسیار قابل پیش‌بینی هستند. می‌توان با اعمال ممنوعیتی مشابه روسیه برای حضور اسرائیل در مسابقات بین‌المللی از آنها جلوگیری کرد.

آنچه که پوشش رسانه‌ها به وضوح نشان می‌دهد این است که هدف سیاستمداران برجسته غربی با کمک رسانه‌های حاکمیتی این است که جمعیت عرب و مسلمان اروپا را به عنوان یک تهدید، وحشیانه، یهودی‌ستیز و غیرممکن برای ادغام در یک "تمدن" فرضی غربی معرفی کنند. به عبارت دیگر، هدف شفاف آنان تبدیل جوامع عرب و مسلمان اروپا به یهودیان اروپای دهه ۱۹۳۰ است - تا آنان مورد توهین و بی‌اعتمادی توده‌های مردمی قرار گرفته و تهدیدی برای اروپا تلقی شوند.

سیاستمداران غربی و رسانه‌ها با حمایت از هر جنایت هیولائی اسرائیل، با حمایت از اراذل و اوباش فوتبال نسل‌کشی اسرائیل، می‌دانند که بدون تردید به تشنج‌ها - به ویژه در میان توده‌های داخلی با ریشه عرب و یا مسلمان - دامن می‌زنند. این همان کاری است که آنها می‌خواهند انجام دهند. هدف ترویج شیطان‌نمایی اقلیت‌های عرب و مسلمان اروپاست.

زندگی‌های بی‌ارزش

ما می‌دانیم نقطه‌نظرات نادرست اروپایی‌ها نسبت به یهودیان به کجا منجر شد: به اتاق‌های گاز و به طور روزافزونی می‌توانیم دقیقاً ببینیم که سیاستمداران غربی و رسانه‌های حاکمیتی می‌خواهند افکار عمومی خود را در ترویج بی‌پایان نقطه‌نظرات نادرست به سبک اسرائیل نسبت به اعراب و مسلمانان به کجا بکشانند. نهادهای غربی هم‌دستی فعال خود را در کشتار نسل‌کشی فلسطینیان در غزه و تخریب جنوب لبنان با تأمین سلاح و مصنویت دیپلماتیک نشان داده‌اند.

آنها پیش از این محاصره کمک‌های بین‌المللی توسط اسرائیل و قطعی گسترده میان دو میلیون و سیصد هزار نفر از مردم غزه را با عناوینی چون "دفاع از خود" و "جنگ مشروع" برای از بین بردن حماس توجیه کرده‌اند. آنها پیش از این اصرار داشتند که زندگی فلسطینی‌ها آنقدر بی‌ارزش، آنقدر بی‌اهمیت است که می‌توان آن‌ها را در ده‌ها هزار نفر - یا به احتمال زیاد صدها هزار نفر - در انتقام مرگ بیش از هزار اسرائیلی در ۷ اکتوبر ۲۰۰۳ قصابی کرد.

آنها پیش از این واقعیت را وارونه کرده‌اند تا اسرائیل نسل‌کش را به عنوان قربانی بی‌گناه جلوه داده و ده‌ها هزار کودک فلسطینی را که در جنایت قتل‌عام اسرائیل کشته و مجروح شده‌اند به عنوان مجرم به تصویر بکشند. هیچ کدام از اتفاقات رخ داده اتفاقی به وجود نیامده است. خلق و خوئی بدبینانه در غرب، درست همانطور که در بخش‌هایی از اروپا در دهه ۱۹۳۰ وجود داشت، پرورش داده می‌شود برای این که این اندیشه پرورده گردد که برخی از گروه‌ها مادون‌بشری هستند، برخی از اقلیت‌ها باید اخراج شوند، یا گردآوری و ناپدید گردند.

این زمینه‌ای مناسب برای درک آنچه واقعاً در هفته گذشته در آمستردام اتفاق افتاد است، زیرا می‌بایست پولیس با اراذل و اوباش خشن اسرائیلی با ملایمت رفتار کرده و سیاستمداران و رسانه‌ها شروران را دوباره به عنوان قربانی معرفی می‌کردند.

اگر سیاستمداران و رسانه‌های ما واقعاً نگران گذشته نازی‌های اروپای نه چندان دور هستند، بهتر است از دامن زدن به یهودستیزی کاملاً واقعی جدید دست بردارند و آن تحریک علیه اقلیت‌های عرب و مسلمان است. سیاه‌ترین روزهای تاریخ اروپا در واقع به سوی ما بازگشته است. اما نه به این دلیل که دسته‌ای از اراذل و اوباش فوتبال اسرائیل در نهایت به همان اندازه‌ای که سعی کردند به انجام برسانند، مورد خشونت قرار گرفتند. سیاه‌ترین روزهای تاریخ اروپا بازگشته است زیرا غرب آمادگی کامل دارد تا اندیشه ضدعرب و ضدمسلمانان اسرائیل را بپذیرد. روز به روز، ما هرچه بیشتر به قتل‌های عام دوباره نزدیک می‌شویم. و این قتل‌های عامنه علیه یهودیان یا اسرائیلی‌ها، که از حمایت و مراقبت سیاستمداران، رسانه‌ها و پولیس غربی برخوردار هستند، خواهند بود. بیشتر کسانی که در معرض خطر هستند «یهودیان جدید» هستند، جمعیت خاورمیانه که همان سیاستمداران، رسانه‌ها و پولیس دائماً از آنها بدگویی می‌کنند، به آنها توهین می‌کنند، علیه آنها تحریک می‌کنند و به آنها حمله می‌کنند.

نژادپرستی غربی هرگز از بین نرفت. طبقه حاکم اروپا یک هدف جدید و یک قربانی جدید پیدا کرده است. ابرهای سیاه آمستردام در سراسر اروپا جمع می‌شوند. اقتدارگرایی و فاشیسم بار دیگر در حال رشد هستند. کسانی که تلاش می‌کنند ما را به واقعیت متصل نگه دارند، اولین کسانی هستند که در خط شلیک قرار می‌گیرند.

دوشنبه ۱۱ نومبر ۲۰۲۴، برابر با ۲۱ آبان- عقرب- ۱۴۰۳

<https://www.middleeasteye.net/opinion/west-buries-genocide-making-victims-israel-football-thugs>